

سرعت بی سابقه
دست آوری های
ارضی طالبان
حتی سازمان سیا
را که پیش بینی
کرده بودند ماه ها
طول می کشد تا
این گروه کنترل
خود را بر کشور
برقرار کند،
غافلگیر کرد

در ۱۵ اوت ۲۰۲۱، طالبان، کابل - پایتخت افغانستان را تصرف و جنگ در افغانستان را پایان یافته اعلام کردند. سرعت برق آسای این گروه با عقب نشینی نیروهای امنیتی دفاع ملی افغانستان ANDSF بدون انجام جنگ، منجر به دستاوردهای بزرگ ارضی شد و بسیاری را شوکه کرد.

طی ۲۰ سال گذشته، ایالات متحده بیش از ۸۳ میلیارد دلار برای آموزش، تجهیز و توسعه ارتش ملی افغانستان، پلیس، نیروی هوایی و نیروهای ویژه هزینه کرده است. با این حال، تحت پیشروی یک گروه مسلح که سلاح های سبک حمل می کرد، ANDSF به شکلی دیدنی از هم پاشید.

سرعت بی سابقه دست آوری های ارضی طالبان حتی سازمان سیا را که پیش بینی کرده بودند ماه ها طول می کشد تا این گروه کنترل خود را بر کشور برقرار کند، غافلگیر کرد. در نتیجه، ایالات متحده و کشورهای غربی دیگر مجبور شدند هزاران سرباز را برای کمک به تخلیه اضطراری شهروندان و کارکنان دیپلماتیک خود از کابل مستقر کنند. اگر تحلیلگران و سازمان های اطلاعاتی غربی بیشتر از واقعیت های میدانی آگاه بودند، شاید از این تحولات غافلگیر نمی شدند.

تعدادی از عواملی را که باعث فروپاشی دولت افغانستان و نیروهای دفاعی امنیتی افغانستان شدند، می توان برشمرد:

یکم، فساد گسترده ای در وزارتخانه های دفاع و داخله افغانستان وجود داشت که بر اثر آن، مهمات و مواد غذایی قبل از رسیدن به سربازان به سرقت می رفت. مهمات و سایر تجهیزات در بازار سیاه فروخته می شد و در نهایت به دست طالبان می رسید.

علاوه بر این، برخی فرماندهان با ارائه درخواست های مالی برای دستمزد «سربازان ارواح» - یعنی سربازانی که واقعاً برای ارتش ثبت نام نکرده بودند، پول ها را اختلاس کردند. همان طور که این اتفاق می افتاد، پرسنل ANDSF بدون حقوق نگه داشته شدند و بدون اجازه خروج و دیدن خانواده های خود برای ماه ها در حال انجام وظیفه بودند. جای تعجب نیست که ANDSF یکی از بالاترین نرخ فرار و تلفات را در جهان داشت. براساس یک برآورد، نرخ فرسایش ANDSF در ماه ۵۰۰۰ بود در حالی که نرخ استخدام ۳۰۰ تا ۵۰۰ بود.

دوم، اختلاس و فساد روحیه در صفوف ارتش را تضعیف کرد. یکپارچگی رهبری ارشد در امور نظامی برای جلب احترام و وفاداری سربازان بسیار مهم است. برای سربازان بدون مزد، سبک زندگی تجملاتی فرماندهان آنها اغلب بیش از حد قابل قبول بود. از این رو، آنها به جای جنگ و مردن، ترجیح دادند با تسلیم شدن به طالبان تحت عفو عمومی، جان خود را نجات دهند.

سوم، هیچ انسجام ایدئولوژیکی در ارتش یا احساس وظیفه و تعلق ملی وجود نداشت. در واقع، بی اعتمادی قابل توجهی نسبت به رهبری سیاسی کشور وجود داشت. هیچ سرباز افغان حاضر نبود برای دفاع از رئیس جمهور اشرف غنی یا دولت بجنگد و بمیرد. تئوری های توطئه در مورد یک معامله مخفی بین دولت افغانستان و طالبان در میان سربازان افغان شایع بود. این فضای تردید و سوء ظن بیشتر عزم سربازان افغان را برای مقاومت در برابر پیشروی طالبان منسجم از نظر ایدئولوژیکی تضعیف کرد که جنگجویان آن با میل به ایجاد یک امارت اسلامی و بیرون راندن نیروهای خارجی که آنها را اشغالگر می دانستند، هدایت می کرد.